

نگاهی به مجموعه داستان «ناصر ارمنی»

مجموعه‌ای که یک‌دست نیست



رضا امیرخانی یکی از نویسندگان بعد از انقلاب است که در ادبیات مابیشتر او را به عنوان رمان‌نویس می‌شناسند، چون بیشتر کتاب‌هایی که از او چاپ شده است رمان هستند؛ رمان‌هایی که در چند سال اخیر هم در جشنواره‌های داخلی جایزه گرفته‌اند و هم تجدید چاپ شده‌اند.

«ناصرارمنی» دومین کتاب اوست و تنها مجموعه داستانش؛ کتابی که از ۱۱ داستان به اصطلاح کوتاه تشکیل شده است. ناصر ارمنی، زمزم، انگشتر، پژوهش خشن، ر تبه قبولی، کمال، سه نفر، برخی از داستان‌های این مجموعه هستند. داستان‌ها درونماهای اجتماعی دارند و پیرنگ بعضی از آنها هم جنگ است. مثلاً در داستان «مزم» سهراب شخصیت اول قصه که کارگر یک رستوران در تهران است با فلاش‌بک به دوران سربازی‌اش ماجرای پنج تن از شهدای مفقودالاثر جنگ را روایت می‌کند یا داستان کوتاه «کوچولو» در مورد پیسرچه‌ای است که منتظر آمدن پدرش از جبهه است به این امید که پدرش بیاید و هماطور که در نامه‌اش نوشته و مادرش برایش خوانده‌است با او فوتبال بازی کند اما وقتی پدر برمی‌گردد دو پایش را از دست داده و روی ویلچر است و تمام امیدهای پیسرپچه از بین می‌رود. «کوچولو» یکی از صمیمی‌ترین داستان‌های این مجموعه است، هم از لحاظ پیرنگ و هم پرداخت.

ساختار قصه، قصه پیسرچه‌ای است که روآی فوتبال بازی کردنش با مجروح شدن پدر از بین رفته است و در آخر داستان خودش را در آغوش پدر می‌اندازد و داستان تمام می‌شود. این داستان البته ضعیف‌هایی دارد و آن اینکه مخاطب نمی‌فهمد که امیرخانی او را برای نوجوانان نوشته یا بزرگسالان. داستان از زبان یک پیسرپچه یا لحنی نوجوانانه روایت می‌شود اما ساختار داستان بزرگسالانه است و شخصیت‌های داستان هم بزرگسال هستند، البته امیرخانی با کمی دقت و عجله نکرده می‌توانست از این داستان یک قصه موفق و ماندگار نوجوانانه بسازد.

داستان «خیابان» هم اشاره مستقیمی به جنگ دارد. راولی داستان در واقع روح یکی از شهداست که زمانی به خاطر تفریح و تفتن به جبهه رفته و شهید شده است و اکنون در مزار شهدا دفن شده و در کنار شهدای واقعی احساس غریبی می‌کند. «خیابان» را می‌توان جزو داستان‌های ساختار گرای این مجموعه قرار داد.

«گوش شنوا» هم بیشتر به خاطره شبیه است داستان. راولی مشغول صحبت کردن با پسرخاله‌اش است که شخصیت منسجمی ندارد، او که پسری مذهبی بوده و فعالیت‌های مسجدی داشته است، الان تبدیل به جوانی شده که لباس رپ‌ها را می‌پوشد و… این داستان هم بدون هیچ تعلیقی روایت شده و خسته‌کننده است.

در داستان کوتاه «ناصر ارمنی» هم نویسنده زندگی مردی از کارگودکی تا ۶۰سالگی روایت می‌کند و به دعوها و ماجراجویی‌های او در محلات تهران می‌پردازد. مردی که زمانی لمپن محله بوده و… داستان ناصر ارمنی از آن دسته قصه‌هایی است که در قالب یک داستان کوتاه نمی‌گنجد و ساختارش بیشتر به رمان می‌خورد. به طور کلی امیرخانی با چاپ این کتاب نشان داد اگر داستان بلند و رمان ننویسد، بسیار موفق‌تر خواهد بود تا داستان کوتاه. این مجموعه علاوه بر یک‌دست نبودن از یک نوع مستقیم گویی جانبدارانه و قضاوت مستقیم از طرف نویسنده رنج می‌برد و آن هم استفاده بیش از حد از دیالوگ‌های شعاری است و در شخصیت‌پردازی هم نویسنده همه را سیاه و سفید می‌بیند و ما در داستان‌های کتاب کمتر با کاراکتری خاکستری همراه می‌شویم.

برای انسجام داستان‌ها هم بهترین راه این بود که نویسنده داستان‌های چنگی‌اش را از داستان‌های اجتماعی‌اش جدا می‌کرد و هر کدام را در مجموعه‌های جداگانه می‌آورد. به چند شاید کل ۱۱ تا داستان این کتاب برای دو تا مجموعه، کم بود. نکته بعدی اینکه داستان‌ها از لحاظ مضمون و کیفیت هم یک‌دست نیستند و نویسنده کار های ضعیف و قوی را کنار هم چیده است.

به طور کلی تنها مجموعه داستان امیرخانی در کارنامه ادبی او حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد و با بسیاری داستان‌های اجتماعی چاپ شده در کشور هم به مراتب ضعیف‌تر است، هر چند او در چند سال اخیر خود را به عنوان یک رمان‌نویس متبحر در بین مخاطبان آثارش معرفی کرده است و مخاطبان زیادی هم دارد.

این کتاب در ۱۸۰صفحه توسط انتشارات کتاب نیستان منتشر شده است.

سرپال



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران مدیرعامل و مدیرمسئول: عبدالله گنجی
سرمدبیر: غلامرضاصادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۰
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نامبر: ۶–۰۲۴۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۶
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۲۴۱ | یکشنبه ۶ تیر ۱۴۰۰ | ۱۶ ذی‌القمده ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۳:۰۷ | غروب آفتاب: ۲۰:۰۴ | ۲۰م‌مغرب: ۰۵:۰۵ | ۲۰م‌شعب‌شعرع: ۰۱:۰۴ | اذان‌صبح‌فردا: ۰۵:۰۴ | طلوع آفتاب‌فردا: ۰۵:۰۱

شاعران پارسی‌سرا از «شهید چمران» گفتند

زنده‌ست هنوز نام چمران شهید

«شب شهید مصطفی چمران» به همت گروه بین‌المللی هندیران به منظور پاسداشت یاد و خاطره این شهید والامقام و با حضور استادان، شاعران و هنرمندان فارسی‌زبان در فضای مجازی برگزار شد



«شب شهید مصطفی چمران» به همت گروه بین‌المللی هندیران، به منظور پاسداشت یاد و خاطره این شهید والامقام با حضور استادان، شاعران و هنرمندان فارسی زبان در فضای مجازی برگزار شد. این نشست مجازی با حضور شاعرانی از کشورهای ایران، هند، پاکستان، افغانستان و بنگلادش شعرخوانی استادیان از جمله علیرضا قزوه، عبدالرحیم سعیدی‌راد، امیرعاملی، جواد عسگرری، مهدی باقرخان، محمد مهدی عبداللهی، عزیز آذین‌فره، سیدسکندر حسینی و باتوان نغمه مستشار نظامی، فاطمه نائی زاده و مرضیه فرمانی برگزار شد. در محفل «شب شهید مصطفی چمران» سیدعلی موسوی گرمارودی پیرامون شخصیت شهید دکتر مصطفی چمران، شعر زبیرا به اشتراک گذاشت:

مردی به ازای شرف
به تردی ساقه‌انجیر
صخره‌ای زیر آب
صلابت آرام مستتر
خشونت در بازویش
به استراحت می‌نشست
تا راست‌تر بایستد
شعرهای نوازشش
گره‌ها را پلنگی می‌موخت
با چشمانی صبور و سمور
تندیس عمل و امل
و چون تندیس، آرام
بی‌ادعا چون باران
به سادگی آب از نلودان
هر دل، جاری
و شاهین، و برج بیداری
با پرواز و نگاه کبوتران
میان بسته و بازوان گشاده
در هودج عشقی سرخ

در بخشی دیگر علیرضا قزوه پیرامون شخصیت برجسته، زندگی و آثار شهید دکتر مصطفی چمران، شعر زبیرا به اشتراک گذاشت:

تویی که دم از قیامت می‌زنی
اگه مردی قید دنیا زو بزنی
اسم مصطفای چمران
که می‌اد زنگ زورخونه مولا زو بزنی
وقتی اسمتو می‌آرم
به زبون عطر خندخت
می‌پیچه تو باغ گل مرشدا
به احترامت
با می‌شن

حکمت

حضرت زهر(س):

خدای تعالی ایمان را برای پاکیزگی

از شرک قرار داد و نماز را برای دوری

از تکبر و خودخواهی.

(احتجاج(طبرسی) ج۱،ص)

—————



تلویزیون

مواد مخدر؛ قهرمان اصلی سرپال «زخم کاری»

شخصیت‌های هر سکانس به طور ناخودآگاه فارغ از اتفاق منطقی یا دراماتیک سیگار آتش می‌زند و چون توازن آدم‌های منفی و مثبت وجود ندارد

این آفت در ذهن مخاطب خنثی نمی‌شود



کاری بخش شده است در هر قسمت تک‌تک شخصیت‌های آن سیگار می‌کشند، در هر سکانس به طور ناخودآگاه فارغ از اتفاق منطقی یا دراماتیکی سیگار آتش می‌زند و چون توازن آدم‌های منفی و مثبت وجود ندارد، این آفت را خنثی نمی‌کند. جالب است حتی کارگردان تابوشکنی می‌کند و نشان می‌دهد پیسر جلوی پدرش سیگار می‌کشد و در قسمت بعد می‌بینیم که پدر با همان قاعده سنتی مبتذل با بحث خرید تریاک ناب و مشروبات الکلی می‌شود، قطعاً این گونه رفتارها در جامعه وجود دارد اما در رسانه نباید همه چیز آفندر صریح و شفاف نشان داده شود، درست است که تا اینجای زخم کاری تمامی شخصیت‌های آن خاکستری یا شبه‌منفی هستند و این هم جزو نقاط منفی سرپال است اما اگر نگاهی به فرامتن سرپال داشته باشیم، درک خواهیم کرد که هر کدام از بازیگران این سرپال می‌توانند طرفداران خاص خودشان را داشته باشند، جوانی که جواد عزتی را دوست دارد، قطعاً از نوع رفتار او در سرپال برداشت‌هایی دارد و فکر می‌کند چون جواد عزتی به عنوان شخصیت اول سرپال در ایجاد هر واکنشی سیگار می‌کشد، او هم باید همین کار را انجام بدهد و این تبدیل به صداخلافی می‌شود، البته ناهنجاری فقط به استعمال دخانیات محدود نمی‌شود و بر خاکشگری ناصر با پدرش نیز نوع رابطه سمیرا با مالک و مهم‌تر از آن رابطه سمیرا با نعمت که همچنان بعد از چهار قسمت نامشخص مانده، نشانه‌هایی از بی‌اخلاقی فرهنگی را نشانون با جامعه است تا قسمت چهارم این سرپال همه چیز ناامیدکننده است. باید دید در ادامه چه اتفاقی رخ می‌دهد که بفهمیم موفقیت مهدویان در ساخت فیلم‌های سینمایی‌اش غیر از «شیشلیک» اتفاقی نبوده است.

کتاب

نادر قدیانی خواستار شد

مقابله مجلس با «کتاب‌سازی» و فروش آزادانه «ممنوعه‌ها»



مخاطب قرار می‌گیرد و بااین استقبال حرکت‌های زیرزمینی در دوره‌ای و آشکار در دوره فعلی از پیشرفت امکانات دیجیتال و چاپ استفاده کرده و در زیرزمین‌ها، مراکز شهر و مقابل چشمان ما به تکثیر این کتاب‌های پر فروش، ناشران می‌پردازند. قاچاقی چاپ کردن کتاب برای این ناشران سودآور است چراکه از هزینه‌های پیش از چاپ معافند. مدیر انتشارات قدیانی با اشاره به برخورد‌های قضایی با این کتاب‌سازها گفت: در سال‌های اخیر برخی فعالان این شبکه‌ها ساخت‌با هماهنگی سازمان بازرسی کل ضعف قوانین حقوقی کشور در مدت‌زمان کوتاهی آزاد شدند. این موضوع نشان از ضعف قوانین حقوقی کشور ما دارد، ج‌ا‌د‌ار نمایندگان مجلس، دولت آینده، وزیر فرهنگ و ارشاد آینده در زمینه تنظیم قوانین سخت‌با هماهنگی سازمان بازرسی کل کشور، قوه قضائیه و نیروی انتظامی به تفاهم برسند. اگر چند مورد را با جریمه‌های سنگین روپه‌رو کنیم، خیلی‌ها حساب خود را می‌کنند و آرام آرام این موضوع فروکش می‌کند.

خبر

برای اسپانیایی‌زبان‌ها

مهدویان و حجازی‌فر

از «ماجراجی نیمروز» می‌گویند

اسوالدو کائالز-مجری برنامه «سینمای ایرانی» شبکه هیسپان-تی‌وی، میزبان محمد حسین مهدویان، سید محمود رضوی و هادی حجازی‌فر عوامل فیلم «ماجراجای نیمروز» می‌شود. اسوالدو کائالز مجری برنامه «سینمای ایرانی» شبکه هیسپان تی وی، میزبان محمدحسین مهدویان، سیدمحمود رضوی و هادی حجازی‌فر، کارگردان، تهیه‌کننده و بازیگر فیلم سینمایی «ماجراجی نیمروز» است و با آنها درباره‌انگیزه‌ها و روند تولید، مضمون فیلم و جایگاه «ماجراجی نیمروز» در سینمای ایران گفت‌وگو می‌کند. «سینمای ایرانی» که در هر قسمت با انتخاب یک فیلم ایرانی و دعوت و گفت‌وگو با عوامل آن، به معرفی و بررسی آن برای مخاطبان اسپانیایی‌زبان می‌پردازد، در این قسمت، نظرات محمدحسین مهدویان کارگردان فیلم سینمایی «ماجراجی نیمروز» را منعکس می‌کند.

در این برنامه ابتدا بخش‌های کوتاهی از این فیلم سینمایی پخش و سپس به مرور کارنامه هنری محمدحسین مهدویان پرداخته می‌شود. در ادامه این کارگردان به همراه سیدمحمود رضوی، تهیه‌کننده اثر و هادی حجازی‌فر بازیگر این فیلم، به روند ساخت آن و ارائه توضیحاتی در خصوص گروهک تروریستی مجاهدین می‌پردازند. در پایان برنامه، فیلم سینمایی «ماجراجی نیمروز» برای مخاطبان اسپانیایی‌زبان شبکه پخش می‌شود. داستان فیلم به تروروای سال ۱۳۶۰ به دست گروه مجاهدین برمی‌گردد. برنامه «سینمای ایرانی» (Iracine Cine) به تهیه‌کنندگی فهیمه اسماعیل‌پوری رووی آنتن شبکه هیسپان تی وی می‌رود.

^[1] ناصر ارمنی، زمزم، انگشتر، پژوهش خشن، ر تبه قبولی، کمال

^[2] ناصر ارمنی، زمزم، انگشتر، پژوهش خشن، ر تبه قبولی، کمال